

کارشناس مصری:

جنگ ۱۲ روزه ناتوانی اسرائیل در تقابل با ایران را آشکار کرد



یک تحلیلگر برجسته مصری با اشاره به تجربه رویارویی نظامی اخیر میان ایران و رژیم اشغالگر قدس، معتقد است تحولات میدانی و ملاحظات راهبردی نشان داد که سناریوی پیروزی قاطع رژیم صهیونیستی علیه ایران بیش از آنکه واقع‌بینانه باشد، در حد یک توهم سیاسی باقی مانده است. به گزارش ایسنا، «ضیاء رشوان» روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی مصری در سخنانی اعلام کرد که جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی به‌روشنی ثابت کرد که تل‌آویو توانایی پایان‌دادن به این تقابل به نفع خود را ندارد و هیچ‌یک از طرفین قادر به تحمیل پیروزی نهایی نبوده‌اند.

رشوان در گفت‌وگو با «ناتسی نور» مجری برنامه «استودیو اکسترا» از شبکه «اکسترا نیوز» مصر گفت: بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در جریان سفر خود به ایالت فلوریدا بر اساس ۲ سناریو حرکت کرد؛ سناریو نخست تلاش برای مختل‌کردن توافق آتش‌بس در غزه بود که تا حدی نیز محقق شد و سناریوی جایگزین، تلاش برای دریافت چراغ سبز جهت اجرای حملات جدید علیه ایران بود.

وی افزود: مواضع آمریکا در قبال ایران متناقض بوده و هم‌زمان میان تهدید به مداخله نظامی و ایران تمایل به دست‌یابی به توافق صلح با تهران در نوسان است.

این تحلیلگر مصری در عین حال نسبت به بزرگ‌نمایی توان نظامی رژیم صهیونیستی برای به سرانجام رساندن یک نبرد گسترده با ایران هشدار داد و تأکید کرد: تجربه جنگ ۱۲ روزه که بدون نتیجه قاطع پایان یافت، نشان می‌دهد هیچ‌یک از ۲ طرف به پیروزی نهایی دست نیافته‌اند. رشوان تصریح کرد: هرگونه تشدید تنش جدید «حقوقی بزرگ» خواهد بود، به‌ویژه در شرایطی که گزارش‌های اسرائیلی و آمریکایی از پیشرفت توان موشکی ایران و افزایش تولید تسلیحات حکایت دارد.

وی همچنین خاطرنشان کرد: اسرائیل در جریان آن درگیری‌ها با حملات داخلی بی‌سابقه‌ای از سال ۱۹۴۸ تاکنون مواجه شد و با توجه به وسعت جغرافیای ایران و جمعیت بالای آن، بعید است تا آ‌ویو توان نابودی کامل این کشور را داشته باشد. به گفته رشوان، در مقابل، پاسخ احتمالی آینده ایران می‌تواند بسیار دردناک‌تر باشد و این مسئله خطر فروپاشی جدی قواعد درگیری در سطح منطقه را در پی دارد.

ناتو:

گرینلند برای استقرار نیروهای نظامی بیشتر آمریکا آماده‌است

دیپرکل ناتو اعلام کرد گرینلند آمادگی کامل دارد تا میزبان شمار بیشتری از نیروهای نظامی آمریکا باشد؛ اظهاراتی که در بحبوحه تهدیدهای واشنگتن درباره تصرف این جزیره مطرح شده است.

به گزارش ایسنا، «مارک روت» دیپرکل ناتو امروز (چهارشنبه) گفت گرینلند به‌طور کامل برای استقرار نیروهای نظامی اضافی آمریکا آماده‌است. این اظهارات در شرایطی مطرح‌شده که تهدیدهایی از سوی آمریکا درباره تصرف این جزیره دانمارکی مطرح شده است.

روته در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان اظهار کرد ناتو و متحدانش درباره گرینلند موضعی مشترک دارند و به گفته او، ایالات متحده به‌طور موجه در این موضوع درگیر است. وی افزود گفت‌وگوها درباره استقرار نیروهای بیشتر آمریکایی در گرینلند «کاملاً باز» است و توافقاتی مرتبط با این موضوع نیز وجود دارد. روت‌ه این سخنان را در پاسخ به پرسش درباره امکان ترغیب آمریکا به انتخاب مسیر همکاری به‌جای الحاق گرینلند بیان کرد.

بر اساس این گزارش، در تاریخ ۴ ژانویه، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به نشریه آتلانتیک گفت که ایالات متحده به گرینلند نیاز دارد، زیرا به ادعای او، این جزیره دانمارکی توسط کشتی‌های چینی و روسی احاطه شده است.

پس از این اظهارات، «مته فردریکسن» نخست‌وزیر دانمارک از ترامپ خواست به تهدیدهای خود درباره الحاق گرینلند به ایالات متحده پایان دهد.

اخبار

کارشناس مصری:

جنگ ۱۲ روزه ناتوانی اسرائیل در تقابل با ایران را آشکار کرد



به گزارش اقتصادنیوز اندرو هاموند در مبدل‌ایست‌آی نوشت: بیش از یک دهه پیش، ژنرال جیمز متیس فرمانده سابق ستکام آمریکا، ابوظبی را «اسپارتای کوچک» توصیف کرده بود؛ کشوری که با جمعیت اندک، نقش بزرگ و تأثیرگذاری نسبت به مساحت خود در منطقه ایفا می‌کند.

اکنون نیز، مواضع مشترک امارات و اسرائیل این دو را به‌هم نزدیک کرده است. مواضعی که درنهایت به پیمان ابراهیم در سال ۲۰۲۰، با مدیریت دولت اول ترامپ منجر شد.

تغییر جهت امارات

پس از مرگ شیخ زاهد، رهبر پیشین در سال ۲۰۰۴، امارات متحده عربی مسیر کاملاً متفاوتی را نسبت به راهبردهای سنتی خود در پیش گرفت.

این مسیر جدید به رهبری پسر او محمد بن زاید، شکل گرفت و از سال ۲۰۱۴ تا زمان رسیدن به مقام ریاست جمهوری در ۲۰۲۲، به رویه غالب سیاسی تبدیل شد.

گسترش نیروهای نیابتی در منطقه

نظامی‌گری که جیمز متیس به آن اشاره کرد، با وحشی‌گری‌های نظامی اسرائیل متفاوت بود. در حقیقت، امارات با استفاده از ثروت عظیم نفتی خود و بدون توجه به افکار عمومی،نفوذ و مداخله در منطقه از طریق نیروهای نیابتی بود.

بهارعربی زمین بازی را عوض کرد

وقتی اعتراضات بهار عربی رخ داد، حتی در جمعیت کوچک اماراتی‌ها نیز، صدهایی برای داشتن نقش در حکومت بلند شد.

دولت امارات، کسانی را که به اندیشه‌های اسلامی و سیاسی وابسته به اخوان‌المسلمین بودند، مقصر می‌دانست و آنها را عامل ایجاد ایده‌های فراتر از حد مجاز مردم نامید.

از اتحاد تا رویارویی

در ادامه، امارات برای مهار گروه‌ها و جنبش‌های فعال در انتخابات، با عربستان متحد شد. این گروه‌ها از حمایت ترکیه و قطر برخوردار بودند که از مصر و لیبی گرفته تا خود ترکیه، گسترده بود. اگر اظهارات دولت ترکیه را درست درنظر بگیریم، امارات حتی در کودتای نافرجام ترکیه در سال ۲۰۱۶ نیز دخالت داشته است.

فرصت طلایی برای همکاری با اسرائیل

جنگ در غزه، فرصتی طلایی برای امارات و اسرائیل برای پایان دادن به نفوذ حماس و اخوان‌المسلمین بود، همان‌طور که انور قرقاش، مشاور رئیس‌جمهور امارات، در ماه اکتبر گفت: دیدگاه‌های افراطی درباره مسئله فلسطین دیگر معتبر نیستند. با این حال، چون حماس و دیگر گروه‌های مهم فلسطینی با راحل دو دولتی موافق هستند، هنوز معلوم نیست امارات دقیقاً به‌دنبال چه تغییر یا امتیازی است.

اعتماد ساده‌لوحانه عربستان

این عربستان بود که امارات را به شرکت در جنگ خود علیه حوثی‌ها در صنعا دعوت کرد. این جنگ بعد از بیرون راندن دولت حمایت‌شده از شورای همکاری

خلیج فارس از قدرت، توسط حوثی‌ها به ۲۰۱۴ رخ داد. در این میان، عربستان نگران بود که حوثی‌ها در مرزهای این کشور، تبدیل به نیرویی شبیه حزب‌الله شوند؛ بنابراین ریاض حمایت از حزب الاصلاح در یمن مصر و پاکستان حاضر به اعزام نیرو نبودند، عربستان چاره‌ای جز متوسل شدن به حمایت امارات نداشت.

ابوظبی در پاسخ با این دعوت موافقت کرد، اما اعتماد عربستان به نیت واقعی امارات بسیار ساده‌لوحانه بود.

هدف اصلی امارات چه بود؟

علاقة امارات ما به سرعت آشکار شد؛ هدف اصلی چالش مستقیم با حوثی‌ها نبود، بلکه ایجاد نفوذ و کنترل در جنوب یمن از طریق نیروهای نیابتی بود. با حمایت امارات، گردان‌های عظیم در سال ۲۰۱۵، شورای انتقالی جنوبی (STC) در سال ۲۰۱۷ و نیروهای مقاومت ملی کمی بعد تشکیل شدند. این اقدامات به امارات اجازه داد تا کنترل و نفوذ بر بندار مهم و تنگه استراتژیک باب‌المندب را به دست بیاورد.

هم امارات و هم عربستان از نیروهای اجیر شده سودانی که موسوم به RSF کمک گرفتند، اما ابوظبی رابطه عمیق‌تری با این گروه برقرار کرد، به‌طوری‌که اکنون متهم به حمایت از این گروه، بر علیه دولت سودان شده است، با وجود جنایاتی که اعضای این

ایران و آمریکا در چه مرحله‌ای از تقابل قرار دارند؟

عبور از مذاکره

بوتان کشور را از این پیچ غیرمعمول و دشوار عبور داد.

به منظور بررسی ضرورت‌ها، هوشیاری‌ها و نیز انگیزه رئیس‌جمهور آمریکا از آنچه در حال انجام است ایران با «نصرت‌الله تاجیک» دیپلمات بازنشسته و سفیر پیشین ایران در اردن به‌گفت‌وگو کرد بخشی از آن را می‌خوانید

همزمان با اقدامات و اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا در قبال ایران، برخی معتقدند که ترامپ با این رویکرد در تلاش است تا تهران را وادار به حضور در پای میز مذاکره کند. با این تحلیل تا چه اندازه موافق هستید؟

من چندان با این تحلیلی که شما مطرح کردید همراه نیستم، زیرا معتقدم ترامپ در حال حاضر اساساً به دنبال مذاکره با ایران نیست. این امر بیش از هر چیز به این دلیل است که احساس می‌کند دست برتر را در اختیار دارد؛ به‌ویژه در نتیجه آسپیی که به سیاست خارجی ایران، سیاست خاورمیانه‌ای و اهرم‌های بازدارندگی سیاست خارجی آن وارد شده است. با توجه به این لطمه و آسپیی که ایجاد شده، ترامپ اکنون تصور می‌کند که موقعیت برتری دارد و در حقیقت به دنبال یک مذاکره متصفانه که دو طرف با رضایت از این میز مذاکره شروع نیست، بلکه همچنان در امتداد همان رویکردی که در سوال اول مطرح کردم، یعنی «صلح از طریق قدرت»، در پی اعمال قدرت است.

در چنین شرایطی، بعید به نظر می‌رسد با توجه به روحیه‌ای که ایرانی‌ها دارند و با توجه به اهرم‌های قدرت نرم و سختی که در اختیار دارند، آمادگی آن را داشته باشند که در چنین وضعیتی پای میز مذاکره حاضر شوند. البته این به معنای نفی اصل مذاکره نیست، بلکه صرفاً گزارشی از واقعیت موجود است. در بخش توصیه‌ای، لطفاً نظر من این است که دیپلمات‌ها در حقیقت خالق فرصت‌ها هستند، یا دست‌کم باید چنین نقشی را ایفا کنند.

بنابراین، به عقیده من، علیرغم شرایطی که ترامپ ایجاد کرده است، بدون آن‌که دچار یأس شویم و بدون آن‌که این وضعیت را به گونه‌ای

نقشه مشترک اسرائیل و امارات علیه ایران، عربستان و ترکیه چیست؟

رقابت برای نفوذ در منطقه

مدتی است که درگیری میان عربستان و امارت بر سر یمن، درحال شعله‌ور شدن است. در این میان، اتحاد نوظهور میان اسرائیل و امارات برای تضعیف قدرت‌های منطقه، ریاض را در موقعیتی قرار داده که برخلاف روند سنتی خود، این‌بار موضوعی سخت و غیرقابل اعتفاف را اتخاذ کند.



گروه در سودان مرتکب شده‌اند. همچنین مستثنای از همکاری امارات با اسرائیل منتشر شده که نشان می‌دهد پایگاه‌ها و تجهیزات نظامی و سیستم‌های راداری در جزایر استراتژیک یمن، با همکاری آنان ساخته شده است.

رقابت برای نفوذ در منطقه ادامه دارد

به رسمیت شناختن اخیر سومالی‌لند توسط اسرائیل، نتیجه طبیعی اقدامات امارات است. امارات با ساخت جاده‌ها، احداث بندر بربرا، ارتقای فرودگاه هرچیسو و ایجاد پایگاه نظامی، منطقه جدایی‌طلب سومالی‌لند را تقویت کرده، در حالی که همچنان به صورت رسمی از موگادیشو حمایت می‌کند.

از سویی، ترکیه که بزرگ‌ترین حامی گروه‌های وابسته به اخوان‌المسلمین به‌شمار می‌آید، حضور نظامی و اقتصادی خود در شاخ آفریقا را حفظ کرده و در کشورهای سومالی، سودان، جیبوتی و اتیوپی سرمایه‌گذاری‌های سنگینی کرده است.

ابوظبی هم به شیوه‌ای مشابه، کنترل خود بر جنوب یمن را در چارچوب حمایت رسمی از جمهوری یمن و دولت تبعیدی آن تثبیت کرده است.

امارات از حداقل سه عضو شورای ریاست جمهوری یمن، یعنی عبدالرئوس الزبیدی، عبدالرحمن المحرمی و فرج الحبسنی، حمایت کرده است که دو نفر از آن‌ها

جدایی‌طلب هستند. این حمایت باعث فلج شدن شورای ریاست جمهوری شده و تصمیم‌گیری آن را دشوار کرده است.

عربستان قدرت را واگذار می‌کند؟

عربستان، به‌رغم قدرت سنتی خود در یمن و حمایت سیاسی و مالی از دولت، موفق به کنترل اوضاع نشده است. از سال ۲۰۲۲، عربستان صلح با حوثی‌ها را بهترین سیاست برای حفظ منافع خود می‌داند. با درنظرگرفتن پروژه‌های عظیم اقتصادی این کشور و حرکت از انزوا به سمت گردشگری و توسعه اقتصادی، اهمیت این صلح چندین برابر شده است.

آتش‌بس غزه در نوامبر به عربستان اجازه داد تا مذاکرات برای عادی‌سازی روابط با حوثی‌ها را از سر بگیرد، اما STC و امارات تلاش کردند این مذاکرات را مختل کنند، چرا که قرار بود درآمد‌ها، از جمله نفت و گاز جنوب یمن، بین دولت و حوثی‌ها تقسیم شود.

متحدان شورش‌ی منطقه

به نظر می‌رسد که اکنون هدف اصلی امارات، همکاری با اسرائیل برای تضعیف قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای مانند عربستان، ترکیه و ایران و بی‌ثبات کردن نظم منطقه‌ای باشد. این دو بازیگر به دنبال تثبیت موقعیت خود در منطقه در قالب کنونی بوده و در برابر فشار برای هرگونه تغییری مقاومت می‌کنند.

اخبار

ای.بی.سی نیوز:

ترامپ از ونزوئلا خواسته ایران، روسیه و چین را بیرون کند



شبکه آمریکایی به نقل از منابعی گزارش داد دولت دونالد ترامپ از «دلسی رودریگز» به عنوان رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا خواسته با بیرون انداختن عوامل ایران، روسیه، چین و کوبا تنها با آمریکا در زمینه‌نفت شراکت کند.

به گزارش ایسنا، شبکه آمریکایی ای.بی.سی نیوز گزارش داد: «سه منبع مطلع به برنامه‌های دولت ترامپ گفتند این دولت به دلسی رودریگز، رئیس‌جمهور موقت ونزوئلاگفته‌حکومت کاراکاس قبل از آنکه اجازه پمپاژ بیشتر نفت را پیدا کند باید تقاضاهای کاخ سفید را برآورده کند.»

به نوشته این گزارش، منابع گفتند اولین خواسته دولت ترامپ از رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا این بوده که «باید چین، روسیه، ایران و کوبا را بیرون انداخته و روابط اقتصادی خود با آنها را قطع کند. دوم قبول کند منحصراً با ایالات متحده آمریکا در زمینه تولید نفت شراکت داشته و آمریکا را برای فروش نفت خام سنگین خود ترجیح دهد.»

در ادامه این گزارش نوشته‌شده به گفته یک منبع «مارکو روبیو»، وزیر امور خارجه آمریکا روز دوشنبه در یک جلسه خصوصی به قانونگذاران ادعا کرده معتقد است ایالات متحده آمریکا می‌تواند ونزوئلا را مجبور به برآورده کردن خواسته‌هایش کند چون نفت‌کش‌های موجود آن پُر هستند.

از سوی دیگر همچنین روبیو به قانونگذاران گفت آمریکا برآورد کرده کاراکاس بدون فروش ذخایر نفتی خود تنها ۲ هفته دیگر به لحاظ مالی دوام خواهد آورد. «راجر ویکر»، رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا در مصاحبه‌ای به ای.بی.سی.

نیوز تأیید کرد آمریکا برای کنترل نفت ونزوئلا برنامه‌ریزی کرده اما فکر نمی‌کند برای این کار به استقرار سربازان آمریکایی‌نیاز پیدا کند. ویکر اظهار کرد: «دولت مایل به کنترل نفت و به عهده گرفتن مسئولیت کشتی‌ها و نفت‌کش‌ها بوده و قرار نیست هیچ یک از آنها روانه‌هواوانا شوند. ما امیدوار به باز کردن بازار هستیم و تا زمانی که آنها شروع به حرکت نکنند نفت‌کشی برای بر گرد نیست چون آنها کاملاً پُر هستند.»

به نوشته ای.بی.سی نیوز، یک مقام ارشد دولتی نیز گفت: رئیس‌جمهور آمریکا درباره اعمال یک اهرم حداکثری بر عناصر باقی مانده در ونزوئلا حرف زده و اینکه آنها تضمین به همکاری با ایالات متحده بدهند از جمله با متوقف کردن مهاجران غیرقانونی، جلوگیری از جریان‌های قاچاق مواد مخدر، احیای زیرساخت‌های نفتی و انجام کارهای درست برای مردم ونزوئلا.»

ناتو:

گرینلند برای استقرار نیروهای نظامی بیشتر آمریکا آماده‌است

دیپرکل ناتو اعلام کرد گرینلند آمادگی کامل دارد تا میزبان شمار بیشتری از نیروهای نظامی آمریکا باشد؛ اظهاراتی که در بحبوحه تهدیدهای واشنگتن درباره تصرف این جزیره مطرح شده است.

به گزارش ایسنا، «مارک روت» دیپرکل ناتو روز (چهارشنبه) گفت گرینلند به‌طور کامل برای استقرار نیروهای نظامی اضافی آمریکا آماده‌است. این اظهارات در شرایطی مطرح‌شده که تهدیدهایی از سوی آمریکا درباره تصرف این جزیره دانمارکی مطرح شده است. روت‌ه در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان اظهار کرد ناتو و متحدانش درباره گرینلند موضعی مشترک دارند و به گفته او، ایالات متحده به‌طور موجه در این موضوع درگیر است. وی افزود گفت‌وگوها درباره‌استقرار نیروهای بیشتر آمریکایی در گرینلند «کاملاً باز» است و توافقاتی مرتبط با این موضوع نیز وجود دارد. روت‌ه این سخنان را در پاسخ به پرسشی درباره امکان ترغیب آمریکا به انتخاب مسیر همکاری به‌جای الحاق گرینلند بیان کرد. بر اساس این گزارش، در تاریخ ۴ ژانویه، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به نشریه آتلانتیک گفت که ایالات متحده به گرینلند نیاز دارد، زیرا به ادعای او، این جزیره دانمارکی توسط کشتی‌های چینی و روسی احاطه شده است.

پس از این اظهارات، «مته فردریکسن» نخست‌وزیر دانمارک از ترامپ خواست به تهدیدهای خود درباره الحاق گرینلند به ایالات متحده پایان دهد.



اقدام تهاجمی علیه ایران آسان‌تر شود، اگر اسرائیل از مداخله در مناظرات سیاسی داخلی آمریکا درباره این موضوع خودداری کند.

هزینه‌های حمایت بی‌قیدوشرط و ضرورت گذار از اتحاد خودیورانگر

دهه‌ها حمایت بی‌قیدوشرط آمریکا از اسرائیل، به‌جای پیشبرد صلح و ثبات در خاورمیانه، آن‌ها را تضعیف کرده است. فلسطینیان قربانی اصلی این ناکامی‌ها بوده‌اند، اما آمریکا و اسرائیل نیز هزینه پرداخته‌اند. تا زمانی که مشکل بنیادین در رابطه دوجانبه حل نشود، این هزینه‌ها فقط بیشتر خواهد شد. اگر قرار است این رابطه دوام بیاورد، آمریکا و اسرائیل باید خود را با شرایط جدید تطبیق دهند و از همکاری‌ای «استثنایی اما خودویرانگر» به سوی رابطه‌ای عادی‌تر گذار کنند؛ رابطه‌ای که همچنان می‌تواند مبنای یک اتحاد باشد.